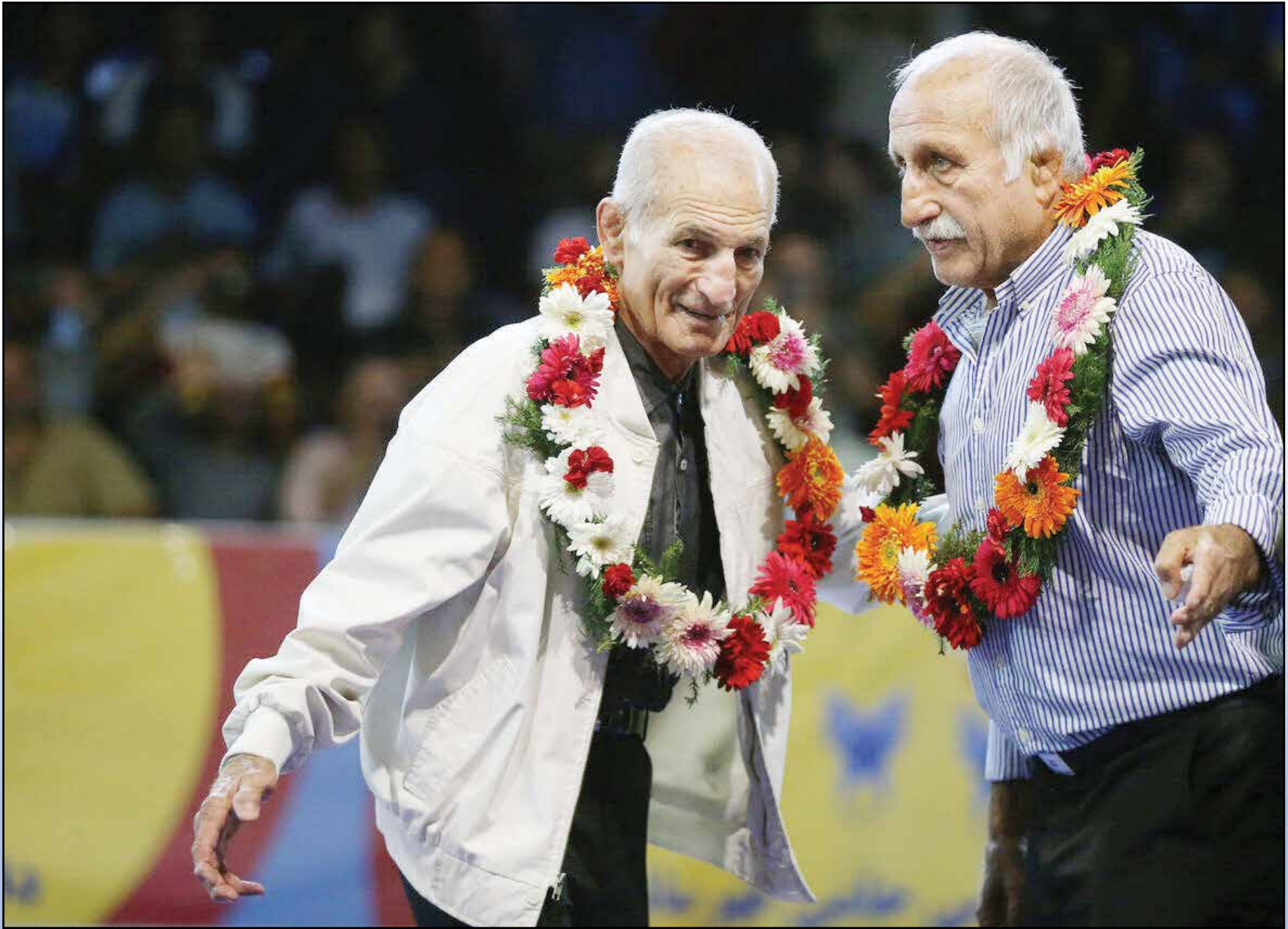




چند دهه خاطره‌نگاری با منصور برزگر

روز خدا حافظی ام ۱۲ هزار نفر گریه می‌کردند

موحد نابغه بود، از او درس می‌گرفتیم و الگوی من بود

فریدون عزیزی نامی هم بود آن زمان که برای خود برویایی داشت و شمارش‌گست داده بود.

بله من تازه به وزن ۶۸ کیلوگرم آمده بودم و به عزیزی باختم، البته در همان مسابقات من دوم شدم و او چهارم. یاد دارم من حمید پرچخ را بردم و فریدون به علیرضا زیبا باخت. البته خب اینها در ادامه چهره نشدند. احمد خوینی یک بار من را شکست داد. یک بار به حسین معاونیان باختم. علیرضا بیابیک بار من را برد، حالا اینکه در ادامه چند دفعه باختند را کاری ندارم. یک بار مهدی رحمانی من را برد، باز من دوم شدم و او چهارم.

حالا که به گذشته نگاه می‌کنید، منصور برزگر کشتی‌گیری قدرتی بود یا فانی؟

من تکنیک‌های زیادی داشتم و البته بیشتر می‌گفتند کشتی‌گیر قدرتی هستم اما حالا که توجه می‌کنم می‌بینم که اگر تنها یک کشتی‌گیر قدرتی بودم، نمی‌توانستم با علیرضا سلیمانی یا با تمام ۹۰ کیلوگرمی‌ها مثل آقای علی دقت‌پور، زینل‌زاده و ... که قدرتشان از من بیشتر بود تمرین کنم. حالا که دقت می‌کنم، می‌بینم من قدرت و تکنیک را با هم داشتم که می‌توانستم با این افراد تمرین کنم. مثلاً وقتی حریف به پاهایم می‌رسید خوب حرکت می‌کردم و تکنیک‌های زیادی داشتم. زیرگیر خوبی بودم. یک زیر یک خم دو خم داشتم که به بهترین شکل ممکن انجام می‌دادم. یاد دارم وقتی بویاسار سایتی‌اف تازه گل کرده بود یک روز دکتر توکل پیش من آمد و گفت «منصور روس‌ها یک کشتی‌گیر با خود آورده‌اند که مثل تو کشتی می‌گیرد». خب سایتی‌اف یک کشتی‌گیر تکنیکی بود که حرکات زیادی به کشتی آورد. یاد دارم در همان مسابقات سایتی‌اف یک پیش‌انداز را به اجرا گذاشت که مورد توجه قرار گرفت. وقتی به کلاس تیم ملی آمدم من به بچه‌ها گفتم این حرکت را چطور انجام داد

در خشش تک ستاره‌ها به پیش می‌رفت، توانست به عنوان یک قهرمان با ثبات چهار مدال جهانی و المپیک کسب کند و چه بسا حق او بیشتر از اینها بود اما منصور خان نه به خاطر مدال‌هایش، بلکه بیشتر به عنوان یک سرمربی - که برای سال‌ها هدایت کشتی ایران را برعهده داشت و در یک دوره کشتی کشورمان را به اوج رساند - شناخته می‌شود. از همین رونام او و کشتی از هم جدا شدنی نیست و این دوه به عاشق و معشوقی می‌مانند که از هم هویت گرفته و به هم شخصیت می‌دهند. منصور برزگر علاوه بر اینکه پیر دیر کشتی است، یکی از مفاخر این رشته نیز به حساب می‌آید و در سال جاری میلادی نیز نام او به فهرست مشاهیر اتحادیه جهانی کشتی اضافه خواهد شد. به همین بهانه دست به ورق زدن خاطرات چند دهه حضور برزگر در کشتی زدیم؛ خاطرات تلخ و شیرینی که هم اشک را میهمان چشمان می‌کند و هم لبخند را روی لب‌ها نمایان.

می‌گفت و می‌خندید. یاد دارم پسرش را که اعدام کرده بودند، همه ناراحت بودیم و به خانه‌شان رفته بودیم. چند دقیقه نگذشته بود که حاجی شروع کرد به شوخی کردن و همه باز مثل همیشه خندیدیم. یا وقتی که در بیمارستان بستری شده بود و در سی‌سی‌یو بود با آقای دقت‌پور به ملاقاتش رفتیم. در سی‌سی‌یو آنقدر با هم شوخی کردیم و خندیدیم که پرستارها آمدند و ما را از بیمارستان بیرون کردند. خیلی هم دست‌خیر داشت. می‌گفتند دست روی سر هر کس بگذارد محبوب می‌شود. شاگردان زیادی داشت که به موفقیت‌های زیادی رسیدند. می‌گفت سعدیان اولین شاگردم بود، بعدی تختی اینها بودند و آخری هم من.

در دوران نوجوانی، جوانی با کدام کشتی‌گیران کشتی گرفتید که در ادامه معروف و صاحب‌مدال شدند؟

با محمد نوایی کشتی گرفتم که در وزن ۶۲ کیلوگرم من را برد. محمود دهدشت خدایامرز که در همین وزن من را شکست داد. آن‌اواایل خیلی‌ها بودند که من را شکست دادند اما اینکه من را شکست دهند بعدها ببایند صاحب‌مدال و عنوان شوند نه افراد زیادی نبودند.



وحید جعفری

Vahid Jafari

منصور برزگر برای یک دوره طولانی، نه فقط یک نام، بلکه یک برند برای کشتی ایران به حساب می‌آمد. او در دوران قهرمانی در بسیاری از مواقع یک تنه جور هم‌تیمی‌هایش را با کسب مدال می‌کشید. برزگر در برهه‌ای که کشتی ایران خالی از ستارگان چند مداله خود شده بود و دلخوش به

ما شاهد این بوده‌ایم که شما بعضی اوقات به زبان ترکی حرف می‌زدید، این در حالی است که متولد تهران هستید، خانواده‌تان هم همینطور. می‌خواستیم بدانیم اصالت منصور برزگر برای کجاست؟

اصالت ما برمی‌گردد به منطقه‌ای بین قزوین و بوئین زهرا. البته من زبان ترکی را بیشتر از بچه‌های محله‌مان یاد گرفتم. در محله ما خانواده‌های زیادی که اصالتاً برای منطقه سراب در آذربایجان غربی بودند حضور داشتند. اینها دوستان من بودند و ما با هم بزرگ شدیم و من ترکی را بیشتر از اینها یاد گرفتم. مادرم هم برای قلعه هاشم‌خان که الان شده است قلعه مدرس است. منطقه‌ای که آیت‌الله حاج شیخ هاشم قزوینی نیز به آنجا تعلق دارد. آقا شیخ هاشم استاد رهبری هم بوده و من در سخنرانی ایشان با گوش‌هایم شنیدم که اعلام کردند شاگرد شیخ هاشم بوده‌اند، حالا هم ده را به نام آقا شیخ هاشم مدرس گذاشته‌اند. مردم ده به واسطه حضور شیخ، مردم بسیار مؤمن و دینداری هستند. روستایی‌ها به پدر آقا شیخ هاشم هم ارادت زیادی داشتند. اهالی روستا حتی می‌گویند در زمان کشتار و سرکوب

مسجد گوهر شاد توسط رضاشاه ایشان در مسجد حضور داشته و قرآن می‌خوانده که رضاخان می‌رسد و همه را می‌کشد و تنها کسی را که زنده می‌گذارد پدر شیخ بوده است.

شما کشتی را زیر نظر منصور اینانلو شروع کردید؟

باشگاه البرز یک ساعت پیاده تا خانه ما فاصله داشت و نزدیک‌ترین باشگاه به ما بود. من ابتدا به این باشگاه که در آن اینانلو تمرین می‌داد، رفتم. بعد رفتم پیش منصور تبریزی. تبریزی کلاس کشتی و روحیه و جنگندگی من را ارتقا داد. بعد او که کارمند تربیت بدنی بود، شد رئیس هیأت کشتی اصفهان. او در آنجا مربیگری هم می‌کرد و افرادی چون شیرانی، قنبری و ... را تبریزی تربیت کرد. بعد من آمدم زیر نظر عبدالحسین فعلی. مرحوم که به حاجی فیلی معروف بود، طرز کشتی گرفتن من را عوض کرد.

اینکه می‌گویند حاجی فیلی آدم خیلی شوخی بود، درست است؟

انسان خیلی مؤمن و معتقدی بود اما خب آدم خیلی شوخی هم بود و همیشه و همه جا در هر شرایطی شوخی می‌کرد و